

بررسی مسئله ورزش در عصر عباسی و نقش ایرانیان در ترویج آن

محمد آلبوعلی^۱

چکیده

قبل از روی کارآمدن عباسیان، اعراب مسلمان با بعضی از ورزش‌ها آشنا بودند اما نه به عنوان ورزش حقیقی بلکه آن را می‌توان تمرینات نظامی نامید. اما در زمان عباسیان همزمان با پیشرفت جنبه‌های مادی و اجتماعی جامعه اسلامی که آن را رنسانس اسلامی می‌دانند ورزش نیز خالی از پیشرفت و تنوع نبوده است و در میان مردم رواج پیدا کرد. نقش ایرانیان در ترویج ورزش بسیار مهم بوده است و در واقع ما شاهد انتقال ورزش‌های باستانی ایرانیان به جهان اسلام هستیم که این انتقال بیشتر توسط دبیران و وزیران ایرانی انجام گرفت. ورزش در آن زمان بیشتر جنبه سرگرمی پیدا کرده بود هرچند اقلیتی از جنبه قهرمانی آن را دنبال می‌کردند. این پژوهش برآن است جنبه‌های تاریکی از تاریخ اجتماعی را روشن کند که مربوط به ورزش است. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و شیوه گردآوری اطلاعات آن کتابخانه‌ای با تکیه بر منابع دست اول و دوم بوده است.

کلید واژه‌ها: ورزش، اسلام، عصر عباسی، ایرانیان، مردم.

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تهران.

مقدمه

آیین اسلام به ورزش و تحرک بدنی توجه کرده است. پیامبر گرامی اسلام همیشه به ورزش اهتمام داشته و مخصوصاً به سه ورزش شنا، تیراندازی و اسب سواری تأکید ویژه‌ای کرده‌اند. در زمان پس از پیامبر، ورزش به بخشی از تمرینات نظامی سپاه مسلمانان درآمد و بحث قهرمانی و سرگرمی مورد توجه جدی نبود زیرا اکثریت جامعه اسلامی هنوز یک جامعه بدوی بود و در فکر بدوی، ورزش به عنوان سرگرمی یا قهرمانی دیده نمی‌شد.

در زمان عباسیان و با شروع نهضت ترجمه، توجه به ورزش برای امور غیر نظامی رشد کرد و ورزش برای سرگرمی و برای اقلیتی برای قهرمانی مورد توجه مردم، خلفا و درباریان قرار گرفت.

در این پژوهش به این سؤالات پاسخ داده خواهد شد: ۱. چه ورزش‌هایی در زمان عباسیان مورد توجه قرار گرفته است؟ ۲. چه عواملی باعث رواج ورزش در آن زمان شده بوده؟ ۳. آیا ایرانیان در ترویج ورزش در زمان عباسیان نقش داشتند؟

ورزش در اسلام

امروزه ورزش به عنوان یک پدیده مهم در تمامی جوامع پیشرفته مطرح است. دین مقدس اسلام نیز تربیت بدنی را به طور خاص در نظر داشته است. از دیدگاه اسلام، آدم در پیمودن راه کمال و نزدیک شدن به خدا، همواره با سه امر مرتبط به یکدیگر یعنی فرد، اجتماع و عالم هستی سروکار دارد. انسان خود نیز از سه بُعد جسمانی، عقلانی و نفسانی متشکل شده است.

اسلام مکتبی است که مخصوص یک یا چند زاویه از زندگی بشر نیست، بلکه برای تمام حیات برنامه دارد. کسانی که می‌گویند اسلام مخصوص آخرت است و به دنیا کاری ندارد، یا تمامی برنامه‌هایش معطوف به پرورش و تقویت روحی است و جسم را در ضعف و نقصان می‌خواهد تا روح قوی گردد، نیازمند مطالعه هرچه بیشتر و بازنگری در آموزه‌های دینی هستند.

در مکتب اسلام، جسم و روح با یکدیگر تلفیق شده‌اند و فکر و روح سالم را در بدن و جسم سالم می‌توان یافت. در دین اسلام به ورزش با توجه به شکل و اهداف آن، بیشتر از سایر جنبه‌های حرکت اهمیت داده شده است. پیامبر می‌فرماید: «ان لربک علیک حقاً، وان لجسدک علیک حقاً، ولاهلک علیک حقاً» پروردگار بر تو حقی دارد، و بدنت بر تو حقی دارد، و خانواده‌ات نیز بر تو حقی دارد (مجلسی، بی‌تا: ۱۲۸/۷۰). دین اسلام با اظهار نظر صریح درباره ی رشته های ورزش زمان خود، پرداختن به آنها را توصیه کرده است. در احادیث آمده است که حضرت پیامبر (ص) اسب سواری می‌کردند و در مسابقه اسب دوانی برای برنده چند مثقال نقره به عنوان جایزه مقرر می‌فرمودند (وسایل الشیعه، بی‌تا: ۳۴۶/۱۳). تأکید اسلام بر فراگیری ورزش‌هایی مانند اسب سواری، تیراندازی و شنا زیاد بود. چنانکه پیامبر گرامی (ص) نیز با اسامه بن زید در مسابقه‌ای تیراندازی شرکت فرمود (نهج الفصاحه، ۱۳۲۴: ۳۱۹).

انواع ورزش در زمان عباسیان

۱. اسب سواری: سوارکاری عامل مهمی در کامیابی و پیروزی‌ها در اسلام داشت. پس شگفتی نیست در حکومت عباسیان آثار بسیاری متضمن آگاهی‌هایی در زمینه اسب و پرورش آن و شجره نسبت آن‌ها و نژادها آن‌ها و انواع مسابقات اسب دوانی و فرسیت یا سوارکاری نوشته شد (مناظر احسن، ۱۳۸۰: ۳۰۲). خالد برمکی گویا جایزه نخستین را در سه مسابقه‌ای که منصور ترتیب داده بود، برد (جهشپاری، ۱۹۳۸: ۲۰۷ و ۲۰۸).

اسب سواری از ورزش‌های مورد علاقه مردم به خصوص عراق بود. مسابقات منظم خوبی داشتند و حتی مربیان و مدرسان در اسب سواری حضور داشتند و جشنواره اسب سواری زیادی برای مردم، خلفا و وزیران بود (الویس، ۱۹۸۸: ۹۷). جوانان زیادی تماشاگر و ناظر این مسابقات بودند. در زمان مورد بحث ما دو شیوه اسب دوانی اجرا می‌شد: یکی مسافت دور و دیگری میدان یا اسپرس بود. در مورد نخست یک نی خیزران در محلی دور از نقطه شروع

مسابقه می‌کاشتند و سواری که نخست آن نی را از زمین بر می‌داشت برنده به شمار می‌رفت. جعفر برمکی مسابقه‌ای در رقه به فرمان هارون برپا کرد که در آن اسب خلیفه از اسب وزیر عقب افتاد (همانجا). به روایتی دیگر از مسعودی، هارون الرشید سخت شاد شد که دریافت اسب او اول شده و اسب پسرش دوم نیز مقام دوم را کسب کرده بود (مناظر احسن، ۱۳۸۰: ۳۰۵). جالب است که مردم بر اسبان خودشان نام می‌گذارند که مانند هارون الرشید اسبش را مشمر نامید (همانجا).

اطلاع از اصول اسب شناسی برای سوارانی که در مسابقات به رقابت می‌پرداختند، مهم بود و از آن‌ها آگاهی داشتند. جاحظ ترکان را سوارانی می‌داند که در پیکار با تیر و کمان و دیگر سلاح‌ها استادند (اسماعیل ابراهیم، ۲۰۰۷: ۱۴۹). در زمان عباسیان اسب سواری مورد توجه همه مردم بوده است، اما مردم عموماً چون توان هزینه اسب سوار را نداشتند به مسابقات شتر دوانی و خر دوانی روی می‌آوردند. شتران مسابقه دو کوهان به نام بختی خوانده می‌شدند (مناظر احسن، ۱۳۸۰: ۳۰۶). هارون الرشید بیشتر از دیگر خلفا مسابقات اسب سواری را دنبال می‌کرد، هارون برای اسب‌ها اصطبل و جایگاه خاص را درست کرده بود که آن‌ها در آنجا به تمرین و استراحت می‌پرداختند و مربیان و پرورشان اسب زیادی بر اسبان نظارت می‌کردند و میدان اسب سواری در کرخ، رصافه و رقه وجود داشته است (الجمرد، ۱۹۵۶: ۱/۲۷۶).

خلیفه معتصم بعد از ساخت سامرا و پایتخت قرار دادن آن، یک میدان اسب سواری در آنجا ساخت که به نام الصوالج (الصولجان) بود. اوج اسب سواری سامرا در زمان معتصم و متوکل بود (اسماعیل ابراهیم، ۲۰۰۷: ۱۴۹).

اهمیت این ورزش در این بود که اولاً این ورزش اصل ورزش مشروع در آن زمان بوده که علما اجازه را داده بودند. این از حدیث پیامبر بود که اشاره به اسب سواری و شنا تیراندازی می‌کرد. دوماً این ورزش، وسیله جهاد و جنگیدن بود و در واقع برای همه جوانان لازم بود این

ورزش را فراگیرند چون روزی ممکن بود به جنگ بروند. سوماً پیامبر و صحابه این ورزش را به شکل ویژه دنبال می‌کردند و در واقعه این ورزش از ویژگی مردان مسلمان آن زمان بود.

۲. چوگان: این ورزش در اصل ایرانی و در زمان ساسانیان مورد توجه پادشاهان ساسانی بود. در زمان جاهلیت در شبه جزیره عربستان هم مورد توجه بود. در زمان عباسیان چوگان به عنوان یکی از تفریحات خلفا و درباریان درآمد (اطلس، ۱۹۵۲: ۲۷۸). این ورزش سوار بر اسب صورت می‌گیرد، خلفا میدان‌های خاصی در کاخ‌های خود برای این بازی ساختند. اولین خلیفه که این بازی را انجام داد، هارون الرشید بود که آشنایی زیادی با آن داشت.

این بازی بین مردم هم مورد علاقه بود و به این بازی می‌پرداختند و معتصم هم به این بازی علاقه خاصی نشان می‌داد. برخی از بزرگان در میدان چوگان بازی جان خود را از دست دادند (الویس، ۱۹۸۸: ۹۸). چوگان برخلاف کبوتر بازی متعلق به طبقات بالای اجتماع و اشراف هست (طبری، ۱۹۶۳: ۴۹۶/۳). خلفا با ندیمان خود به این بازی می‌پرداختند مخصوصاً هارون که چنین کاری را انجام می‌داد. طبری می‌گوید که معتصم را دیده بود که با ندیم خویش اسحاق بن ابراهیم، چوگان بازی می‌کرد هر دو جامه سبک ورزش به نام صدره برتن داشتند (همانجا).

وزیران نیز مانند خلفا سخت شیفته این ورزش بودند. سپاهیان گویی به این ورزش می‌پرداختند و آن را پاره‌ای از تمرینات آموزشی جنگی بود. سپاهان ترک آن را خوب بازی می‌کردند. در این بازی، هر دسته عبارت بود از چهار تن بودند (مناظر احسن، ۱۳۸۰: ۳۰۹).

در زمان هارون، خلیفه با وزیران و رؤسای سپاه خود بازی می‌کرد و تیم‌های مجزا و خاصی تشکیل می‌دادند که هر کدام لباس و شکل خاصی داشتند. هارون میدانی برای این بازی ساخت و حتی جایگاهی بر تماشاگران در آن ورزشگاه ساخت (الجمومرد، ۱۹۵۶: ۲۷۸/۱). چوگان‌بازان بعد از بازی به حمام گرم و زیر دست دلاک می‌رفتند. امین فرزندان هارون در روز دوم خلافت خود دستور ساخت میدان بازی چوگان را در کنار قصر منصور داد (اسماعیل

۳. برجاس: بازی برجاس در آن زمان رواج زیاد داشت اما بیشتر در میدان‌های نظامی کاربرد داشته است. به گفته مسعودی هارون نخستین خلیفه بود که در میدان اسب دوانی به این بازی پرداخت (مسعودی، ۱۳۸۰: ۲۹۶). روش این بازی به صورت بود که سواران پشت سرهم حرکت می‌کردند و هر یک تیری به هدف روانه می‌کردند. گفته شده در زمان معتصم آموزش سپاهیان سوار نظام با این ورزش صورت می‌گرفت. سپاهیان در این بازی ناگزیر بودند شرکت کنند تا شایستگی آن‌ها مورد امتحان قرار گیرد مستمراً آن‌ها مشخص شود. سپاهیان ترک که همواره تیراندازان خوبی بودند در این بازی استاد شمرده می‌شدند (مناظر احسن، ۱۳۸۰: ۳۱۰).

۴. تیراندازی: در زمان عصر عباسی تیراندازی یکی از ورزش‌های پرطرفدار بود. از آنجا کمان سلاح عمده جنگ بود، تیراندازی با اهمیت تلقی می‌شد. عباسیان سخت در پی پیشرفت تیراندازی بودند و از این رو مورد توجه بسیاری نویسندگان واقع شد و در آن زمینه رساله‌ها نوشتند (همانجا). هارون یکی از ماهرترین تیراندازان زمان خودش بود (الجومرد، ۱۹۵۶: ۲۷۹-۲۸۰/۱). تیراندازی یکی از عوامل عمده در آموزش سپاهیگری و نیز فروسیه شمرده می‌شد. آثار نوشته شده در سده سوم یا اندکی پس از آن غالباً به تیراندازی اشاره می‌کنند.

مسابقه تیراندازی به دو گونه بود: یکی تیراندازی به هدف و دیگری تیراندازی به فاصله زیاد بود. مورد اولی مورد تأیید فقیهان بود و دومی را بعضی منع می‌کردند (سعودی، ۱۹۵۶: ۴۱). از آنجا که شرط بندی در مسابقه تیراندازی مجاز دانسته شده بود مردم بدان دل بستگی فراوانی نشان می‌دادند. گلوله‌ها را از گل یا سنگ یا سرب می‌ساختند. بهره‌گیری از گلوله کمان که در میان ایرانیان رواج داشت گویا در صدر اسلام و در زمان عثمان در میان مسلمانان رایج شد. هارون شماری از این تیراندازان در خدمت داشت که به آن‌ها النمل می‌گفتند و در بازی‌های ورزشی و شکارهای گروهی به همراه او بودند (زیدان، ۱۳۷۹: ۱۵۹/۵).

۵. شطرنج: از وسایل سرگرمی داخل خانه بود (الاطرقیجی، ۱۹۸۲: ۲۸۲). اعراب در زمان جاهلی و صدر اسلام با آن آشنا شده بودند، اما در زمان عصر عباسی اوج این بازی بود.

نخستین مسابقه مشهور در سال ۸۱۹م. یا ۲۰۴ق. در خراسان میان جابر بن الکوفی و زریاب القطان در حضور مأمون انجام گرفت (مناظر احسن، ۱۳۸۰: ۳۱۷). برای پی بردن به اهمیت شطرنج باید در نظر گرفت که بهای کنیزان وابسته به این بود که شطرنج بازی کردن آن‌ها در چه حدی بود. شطرنج بازی هندی بود که از هند به ایرانی‌ها رسید و از این‌ها به عرب‌ها رسید (همانجا).

توجه بسیاری در آثار اسلامی به شطرنج و صفات لازم برای شطرنج‌باز شایسته و نیز آداب بازی اشاره شده است. شطرنج‌باز باید ظریف طبع و پرحافظه و آینده نگر و نیز خوش‌رفتار و ادب خوبی و حاضر جواب باشد. هرچند فقها شطرنج را حرام می‌دانستند، اما در مورد آن سخت‌گیری نمی‌کردند (اسماعیل ابراهیم، ۲۰۰۷: ۱۵۰). شطرنج یکی از سرگرمی‌های خلفا بود، معتضد یکی از شطرنج‌بازان ماهر بود. افراد زیادی در آن زمان شطرنج‌باز حرفه‌ای بودند از جمله العولی که اولین فردی بود که برای شطرنج کتاب نوشت و فرد دیگری که می‌توان آن را شطرنج‌باز حرفه‌ای معرفی کرد، ابوبکر محمد بن یحیی کاتب بود (اطلس، ۱۹۵۲: ۲۷۴). از شطرنج‌بازان آن دوره می‌توان به عدلی و رازی و ماوردی و صولی اشاره کرد (مسعودی، ۱۳۸۰: ۱۶۱/۱).

عدلی تا مدت‌ها در مقام نخست شطرنج بود تا اینکه رازی در حضور متوکل او را مغلوب کرد. مسابقاتی میان شطرنج‌بازان برگزار می‌شد که در آن افراد ماهر از تمام سرزمین‌های اسلامی به این مسابقات می‌آمدند. حتی هارون یکی از هدایایی که برای شارلمانی فرستاد شطرنج هست. شطرنج در بین مردم هم رواج داشته که در ادبیات و ضرب‌المثل هم وارد شده است مثلاً «در خردی چونان سرباز پیاده در صفحه شطرنج مغرورانه گام بر می‌دارد» (مکی، ۱۳۸۳: ۱۶۴). شطرنج مستلزم آرامش و سکوت بود، از این رو می‌گفتند: شطرنج را برای عجم نهادند که سکوت را ترجیح می‌دهد (همان: ۱۶۵).

۶.شنا: خانواده‌ها در عصر عباسی شنا را به فرزندانشان یاد می‌دادند و به آن اهتمام زیادی می‌کردند. معزالدوله این ورزش را به شدت دنبال می‌کرد (الویس، ۱۹۸۸: ۹۹) و حتی مستکفی بالله به شدت به این ورزش علاقه داشته است. وسایل این ورزش در رود دجله فراهم بود و جوانان در آن زمان کارهای بدیعی می‌کردند. مثلاً جوانی ایستاده شنا می‌کرد و روی دستش منقلی پر از آتش داشت و با دیگی روی آن و در آب پا می‌زد که دیگ می‌پخت و از آن می‌خورد و با این حالت تا قصر خلیفه رسید (همانجا).

۷.دو: یکی از ورزش‌های آن زمان دو بود که مورد توجه مردم، خلیفه و مسئولین قرار داشت و از مشهورترین دوندگان آن زمان معتوق الموصلی معرف به الکوتر بود که در سال ۱۲۲۷م. از واسط تا بغداد را در یک شبانه روزی طی کرد. از رقیبان الکوتر، علی بن الاربلی بود که از دقوفا به بغداد را دوید و عصر آن روز به بغداد رسید و نیم ساعت زودتر از الکوتر رسید، وقتی الاربلی به بغداد رسید، خلیفه المعتصم به استقبال او رفت (الویس، ۱۹۸۸: ۹۹-۱۰۰). مأمون از اولین خلفای بود که به ورزش دو توجه خاصی داشت و میدانی برای آن ساخت. تاج‌الدین ابن الساعی می‌گوید «مأمون قصری داشت که به شکل کامل ساخته شده بود و در آن میدانی برای دو و بازی چوگان درست کرده بود» (احمد سوسه، ۱۹۵۸: ۱۲۴)

۸.تاس: تاس، در اصل ورزشی ایرانی بود اما در عصر عباسی مورد توجه قرار گرفت. اولین نفری که این بازی را انجام داد هارون بود. امین با وزیرش فضل هم این بازی را می‌کرد که یک بار شرط بستند هرکس ببازد باید انگشت تر؟! خود را بدهد، که امین این بازی را برد و انگشت وزیر را از او گرفت (ابن الطقطقی، ۱۳۶۷: ۳۸ و الجهشیری، ۱۹۳۸: ۲۹۸). تاس به شدت در بین تمام افراد جامعه مورد استقبال قرار گرفته و اکثراً در خانه‌ها بازی می‌شد. بر صفحه‌ای بازی می‌شد دارای ۱۲ خانه نمودار دوازده ماه سال و سی مهره نشانگر روزهای ماه و دو طاس نشان خواست خدا و فرمانبرداری بنده از اوست. تاس از شطرنج کم اهمیت‌تر بود که در

شطرنج جنبه قطعی بازی بر دور اندیشی و اندیشه و اختیار بازیکن و میزان شناخت او از حالت گوناگون بازی نهاده شده بود (مناظر احسن، ۱۳۸۰: ۳۱۹).

آثار قرون میانه اسلامی سراسر تأکید بر این دارند که ریشه تاس از ایران است (همانجا). مسعودی از سویی تأکید دارد که از هند آمده است ولی هیچ شاهد یا سندی ارائه نمی‌دهد (مسعودی، ۱۳۸۰: ۱۵۷/۱). نام عربی - فارسی این بازی «نرده شیر» گویا پیوندی با مخترع افسانه‌ای ارشیر ابن بابک پادشاه ایران داشته باشد (مناظر احسن، ۱۳۸۰: ۳۱۹). این بازی با طبع کودکان سازگار بود و مورد علاقه آن‌ها بود.

۹. وزنه‌برداری: وزنه‌برداری در این زمان رواج داشت و حتی خلیفه‌ها و درباریان در آن شرکت می‌کردند. معتصم که بدن خوبی داشت، غالباً به آن می‌پرداخت و گفته‌اند که او می‌توانست بار به وزن هزار رطل را تا بالای سر خویش بلند می‌کرد و هفت گام راه می‌رفت (فخری، ۱۳۷۶: ۳۱۶).

۱۰. مسابقه کبوتر: کبوتربازی نیز رواج خاص داشته است. مردم چنان شیفته کبوتربازی شدند که خود مشکلات اجتماعی را به وجود آورد. گاهی حکومت ناگزیر اعمال فشارهای علیه کبوتربازان می‌شد و دستور داده شد به نابود سازی لانه‌های کبوتران به بهانه اینکه حریم زنان پیرامون به خطر می‌افتد و نیز اجتماع کبوتربازان و سنگ اندازان آنان به کبوتران نشسته بر بام‌ها موجب آشفته‌گی جامعه می‌شود (مناظر احسن، ۱۳۸۰: ۳۰۶).

گفته می‌شود که در بغداد بازاری بود به نام سوق الطیور که در آن کالای عمده، کبوتر بود (همانجا). مسابقات کبوتربازی در عصر عباسی انجام می‌شد، که پیش از هر مسابقه کبوتربازی تبلیغات گسترده‌ای عمل می‌آمد. گفته شده که در گروه انبوهی گرد می‌آمدند تا تنها مسابقه را تماشا کنند و مهدی، هارون، واثق و ناصر همه گویا بدین سرگرمی علاقه داشتند (اسماعیل ابراهیم، ۲۰۰۷: ۱۵۱).

۱۱. شادغلی: در منابع اشاراتی مبهم به شادغلی شده که دشوار است در مورد آن چیزی بدانیم. گویند نام شادغلی از شاد فارسی است یعنی خوشی و گل بود. شابشتی نوشته است که متوکل به مناسبتی فرمان داد که پنج میلیون درهم سبک بزنند به رنگ‌های سرخ و زرد و سیاه باشد و درباریان و خدمتکاران که شمار آن‌ها ۷۰۰ نفر بود، لباس نو با کلاه‌های رنگارنگ برتن کنند. در یک روز پرباد خلیفه آن‌ها را جمع کرد زیر یک گنبد پرشکوهی که چهل در داشت و برای چنین روزی ساخته شده بود. چون همه درباریان به گرد او فراهم آمدند فرمان داد تا درهم‌های سبک را در باد رها کنند. آن‌ها مانند برگ‌های گل پراکنده شدند و دورنمایی رنگارنگ پدیدار گشت (مناظر احسن، ۱۳۸۰: ۳۲۰). این بازی همان شادغلی بود که خلیفه با این همه تدارک پرتکلیف بدان پرداخته بود.

۱۲. کشتی پهلوانی: خلفای عباسی جوانان را به کشتی توصیه می‌کردند و در میان جوانان کشتی رایج بود. معزالدوله در میدان شهر، یک درخت خشکن نصب می‌کرد و روی آن لباس می‌گذاشت و بالای آن ظرفی که در داخل آن درهم بود می‌گذاشت و هرکس پیروز کشتی در میدان شهر می‌شود، آن درخت و لباس و ظرف پریول را به او می‌داد (صابی، ۱۹۵۸: ۱۵۶). خلیفه مستکفی تلاش زیادی برای یادگیری جوانان به کشتی داشت. مردمان آن دوره درباره خطرات این ورزش سخن‌ها گفته‌اند (همانجا). خلفا و درباریان، از کشتی‌گیران بلند آوازه بهره گرفتند و به تماشای مسابقه آنان می‌پرداختند و گاهی خود در آن شرکت می‌کردند. گفته می‌شود که امین به این ورزش سخت علاقه‌مند شده بود (مسعودی، ۱۳۸۰: ۶/۳۲۲). در دوره آل‌بویه، مسابقات ساعت‌ها زمان می‌گرفت و برندگان به پاداش خلعت از دست معزالدوله تکریم می‌شدند.

۱۳. سایر ورزش‌ها: ورزش‌های مانند شمشیربازی، قایقرانی و نیزه بازی در میان مردم طرفدار خاصی داشت. چون کم خرج هم بودند، بین مردم طرفدار پیدا کرده‌اند (مناظر احسن، ۱۳۸۰: ۳۱۳).

دلایل پیشرفت ورزش در آن زمان

۱. حضور ایرانیان در دربار عباسیان: شاید مهم‌ترین دلیل پیشرفت ورزش در دوره عباسیان را حضور ایرانیان دانست چون در رونق ورزش‌های مانند چوگان، شطرنج و تاس نقش مستقیم داشتند و در دیگر رشته باعث رونق آن‌ها شدند و مدیریت مسابقات ورزشی را غالباً ایرانی‌ها برعهده داشتند و گاهی در آن مسابقات شرکت و اغلب به قهرمانی می‌رسیدند که نمونه آن خالد برمکی گویا جایزه نخستین را در سه مسابقه‌ای که منصور ترتیب داده بود، برد (جهشیاری، بی‌تا: ۲۰۸-۲۰۷). در بیشتر ورزش‌ها که پیش از این اشاره شد، نام هارون بعنوان کسی که اولین خلیفه که این ورزش را انجام داده در منابع آمده است، همین طور که در تاریخ عباسیان هست، هارون تحت تأثیر وزیران ایرانی مانند برامکه بود پس شکی نیست که ایرانی‌ها در معرفی این ورزش‌ها به عباسیان نقش زیادی داشتند.

۲. اهل فتوت و اخوت: اهل فتوت خودشان را با ورزش نیرومند می‌ساختند تا بتوانند در برابر دشمنان خود با قدرت بیشتری عقاید خود را ترویج کنند. بیشتر ورزش آن‌ها براساس ورزش باستانی و زورخانه بود (کاظمینی، ۱۳۴۳: ۱۲۲). قدرت عیاران در بغداد و نقاط دیگر بسیار زیاد بود. آن‌ها در جنگ امین و مأمون در بغداد بایکدیگر، به سود مأمون که ایرانیان طرفدار او بودند، جنگیدند (همانجا). حتی خلیفه الناصرالدین بالله به ظاهر به آیین فتیان درآمدند (همان: ۱۲۴).

در واقعه عیاران و اهل فتوت را باید در ایران باستان جستجو کرد که با ورزش باستانی آشنا بودند. تاریخ عیاران را می‌توان در زمان پارتیان دید که عیاران دوره عباسیان را می‌توان ادامه دهنده آن‌ها دانست (همانجا).

۳. بالارفتن سطح زندگی و پیدایش اوقات فراغت: سطح زندگی در زمان عباسیان به دلایل اقتصادی و... بالا رفت و حتی زندگی بغداد آن زمان به عنوان ضرب‌المثل در عراق امروزی در

آمده است. مصطفی‌الرافعی می‌گوید: «بالا رفتن زندگی در آن زمان زیاد بود و مردم بغداد در اوج لذت زندگی به سر می‌بردند و به عنوان مثالی برای مردم دیگر مناطق شده بود» (الرافعی، ۱۹۶۰: ۲۱۹).

از اولین چیزی که انسان در اوقات فراغت به فکر او می‌رسد، ورزش است. البته ورزش باید همراه با امکانات باشد که خلفا عصر اول عباسی در ساخت امکانات، تلاش کردند. ورزش و مسابقات در میان جوانان و توده مردم رایج شده بود (مکی، ۱۳۸۳: ۱۶۶).

۴. پیگیری خلفا و تشویق آن‌ها به ورزش: بیشتر خلفا به ورزش پرداختند و بخشی از وقت خود را صرف ورزش می‌کردند. این پیگیری آن‌ها باعث شد که مردم توجه به ورزش داشته باشند چون مردم به خلفا نگاه خاص داشتند و کارهای آن‌ها را مورد تقلید قرار می‌دادند. کمک‌های مالی خلفا عباسی به ورزش یکی دیگر از دلایل تشویق مردم به ورزش می‌شد (اسماعیل ابراهیم، ۲۰۰۷: ۱۵۴).

۵. پیشرفت علوم و صنعت: پیشرفت علوم و صنعت یکی از اهداف آن خدمت به انسان است. ارتباط سلامت با ورزش مورد توجه پزشکان و فیلسوفان آن زمان بود و در مدرسه المستنصریه که به علوم قرآنی و سنت می‌پرداختند، بخشی از درس آن‌ها به علم طب و سلامتی می‌پرداختند. ورزش نیاز به وسایل دارد و پیشرفت علم آهنگری در آن زمان توانست، وسایل ورزش را تأمین کند. این یکی از نشانه‌های رابطه مستقیم پیشرفت علوم در تمدن اسلامی با ورزش است (همانجا).

همچنین بیشتر شدن دانش در مورد پرورش و تربیت اسب توانست به ورزش اسب سواری کمک زیادی بکند. ساخت میدان باید براساس نقشه و مساحت خاص باشد که در آن زمان ساخته شده است، این نشانه از پیشرفت علوم در زمینه ریاضیات و هندسه و مساحت بود که توانست میدان‌های ورزشی با ابعاد استاندارد بسازند. جهت تأمین لباس‌های مورد نیاز برای

ورزش‌های مختلف، صنعت نساجی ضروری بود. در نتیجه رونق این صنعت کمک شایانی به فراهم ساختن لباس ورزشکاران کرد (همانجا).

سازمان ورزشی

مسابقات ورزشی که دستور برگزاری آن از جانب خلیفه صادر می‌شد، می‌بایست مدیریت و مسئولین خاص خود را داشته باشد و افراد به صورت اختصاصی در آن اشتغال داشته‌اند. شاید یک چیزی شبیه به سازمان ورزشی در آن زمان بوده که منابع درباره آن سکوت کرده‌اند.

داوری

بهرحال مسابقه ورزشی نیاز به یک داور دارد و مسابقاتی که از سوی خلیفه انجام می‌شد و پول زیادی به عنوان جایزه به آن تخصیص می‌شد، بدون شک داور داشته است. داوران براساس ضوابط و قوانین خاص داوری می‌کردند.

مربی‌گری

در هر ورزشی بدون تردید نیاز به مربی دارد. آیا در زمان عباسیان مربی‌گری وجود داشته است یا نه؟ در بعضی ورزش‌های مانند اسب سواری طبق بعضی گزارش‌ها، مربی وجود داشته است که در اصطبل کار می‌کرد.

نتیجه‌گیری

ورزش در دوره عباسیان به دو شکل دنبال می‌شود اولاً بعضی ورزش‌ها کارکرد نظامی مطرح داشته‌اند و بخشی از تمرینات سپاه عباسی بوده است. دوماً بعضی ورزش‌ها برای گذراندن زمان فراغت بوده است. در زمان عباسیان بیشتر ورزش‌ها مورد توجه بوده است اما ورزش‌های اسبی

مانند اسب سواری و چوگان مورد توجه حاکمیت بوده و ورزش‌های شطرنج که خانگی بودند مورد توجه عوام بوده البته بدین معنا هم نبوده که شطرنج اصلاً مورد توجه طبقه بالادست نبوده بلکه مورد توجه بوده اما نه به نسبت چوگان و اسب سواری که کمتر مورد توجه بوده تا این ورزش‌ها که مطلق به طبقه اشراف بوده است.

حضور ایرانیان در دیوان عباسیان کمک زیادی در رواج ورزش‌های ایرانی در زمان عباسیان شده است، ورزش‌های مانند شطرنج، تاس و چوگان را ایرانیان به عباسیان معرفی کردند و در رواج دیگر ورزش‌ها کمک زیادی داشتند و خیلی از وقت‌ها مدیریت مسابقات این ورزش‌ها توسط ایرانی‌ها صورت می‌گرفت.

بحث ثبات حاکمیت و رفاه بغداد بدون شک در ترویج ورزش در زمان عباسیان مؤثر بوده و شاید بدون آن‌ها هیچ وقت ما شاهد رواج ورزش نبودیم. اوضاع بغداد و درآمد‌های دولت حکام و مردم را برای تفریح بیشتر ترغیب می‌کرد که در این بین ورزش مورد توجه قرار گرفت چون هم بزرگان دین به آن توصیه کردند و هم خلفا که حرف آن‌ها برای مردم مهم بوده، به آن توصیه می‌کردند. پس رواج ورزش در آن زمان محصول تک علتی نیست بلکه نتیجه سلسله عواملی است که باعث رواج و رشد ورزش شده است.

منابع و مأخذ

- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طبا طباطبائی (۱۳۶۷)، *تاریخ آداب ملک داری و دولت اسلامی*، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- احمد سوسه؛ جواد مصطفی، (۱۹۵۸). *دلیل خارطه بغداد*. بغداد: مجمع علمی العراق.
- اطلس، اسعد (۱۹۵۲). *الحیاه الاجتماعیه فی القرنین الثالث و الرابع*، جلد دوم، بغداد: مجله علمی العراقی.
- الجومرد، عبدالجبار (۱۹۵۶). *هارون الرشید*. بیروت: مطبعه دارالکتب.
- الرافی، مصطفی (۱۹۶۰)، *حضاره العرب فی العصور الاسلامیه الزاهره*. بیروت: مؤسسه خلیفه.
- الروقی، سعود بن عبدالله، (بی تا)، *الریاضه من منظور اسلامی*، بیروت، دارالعربی.

- جهشیاری، محمد بن عبدوس (۱۹۳۸)، *الوزرا و الكتاب*، به کوشش عبدالحمید احمد حنفی، قاهره: بی نا.

- رمزیه الاطرقجی (۱۹۸۲). *الحیاه الاجتماعیه فی بغداد منذ نشأتها حتی نهایه العصر العباسی الاول*. بغداد: مطبعه الجامعه.

- زیدان، جرجی (۱۳۷۹)، *تاریخ تمدن اسلامی*، ترجمه جواهر کلام، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- صابی، ابوالحسن (۱۹۸۵)، *کتاب الوزرا*، تصحیح عبدالستار احمد خراج. قاهره: دار احیاءالکتب العربیه.

- کاظمینی، کاظم (۱۳۴۳)، *نقش پهلوانی و نهضت عیاری در تاریخ اجتماعی و حیات سیاسی ملت ایران*، تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.

- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (بی تا)، *بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار (علیهم السلام)*، بی جا: داراحیاء التراث العربی.

- مسعودی، (۱۳۸۰)، *مروج الذهب*، قم: بی نا.

- مکی، محمد کاظم (۱۳۸۳)، *تمدن اسلامی در عصر عباسیان*، ترجمه محمد سپهری، تهران: سمت،
- مناظر احسن، محمد، (۱۳۸۰)، *زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان*، مترجم رجب نیا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- *نهج الفضاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص) (۱۳۲۴)*، مترجم و فراهم آورنده ابوالقاسم پاینده، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.

مقالات

- الویس، کامل طه، (بی تا)، «انشاط فی العصر العباسی»، *مجله افاق عربیه*، شماره ۴، سال سیزدهم، صص ۹۴ تا ۱۱۵.

- خلیل ابراهیم، اسماعیل (۲۰۰۷)، «التربط بین التقدم الحضاری فی زمن الدوله العباسیه و تطور الحرکه الرياضه»، *همایش شانزدهم بخش تربیت بدنی*، بابل، صص ۱۴۴ تا ۱۶۰.